

تحلیل نرمش قهرمانانه در راهبرد مقاومت اسلامی «با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای»

فرج‌الله میرعرب *

تأیید: ۹۹/۹/۱۵

دریافت: ۹۹/۶/۲۵

چکیده

«مقاومت» در راه هدف الهی، اصلی اساسی در اندیشه انقلاب اسلامی است، اما آیا تنها کنش مقاومت برای تأمین اهداف، رودرویی و برخورد سخت است یا نرمش نیز می‌تواند عاملی مهم برای رسیدن به اهداف مقاومت باشد؟ آیه‌الله خامنه‌ای که بر اساس اعتقاد به قرآن، مقاومت را راهبرد خود در برابر دشمن قرار داده‌اند، «نرمش قهرمانانه» را روشی کارآمد در راه رسیدن به هدف شمرده‌اند. اتخاذ این روش برگرفته از قرآن، ضمن برقراری توازن بین واقع‌گرایی و آرمان‌خواهی، قدرت مانور را برای نظام اسلامی فراهم و مانع تخاصم جاهلانه و سازش منفعلانه می‌شود. این تاکتیک سازمان‌یافته و سنجیده، سیاست خارجی را در عین ادب، شدید و سخت اجرا می‌کند و با شناخت دشمن و هنرمندی در مانور، راه پیروزی را با کم‌ترین هزینه نشان می‌دهد.

این پژوهش کتاب‌خانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی و مستند به قرآن، برای تبیین مسأله، ادله قرآنی و شواهدی از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت : را بررسی و با ارائه معیارها و ملاک‌های نرمش ثمربخش، جایگاه این رفتار را در برنامه جامع مقاومت نشان داده است. تبیین ضروری نشان‌دادن نوع خاصی از نرمش در مقاومت سرسختانه در برابر دشمن، نتیجه نوآورانه این پژوهش است.

واژگان کلیدی

مقاومت، نرمش قهرمانانه، اندیشه سیاسی آیه‌الله خامنه‌ای



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اسلام و رهبرش هرگز نمی‌توانستند بدون مقاومت به حیات خود ادامه دهند و به هدف برسند. قرآن در دو آیه تصریح می‌کند که پیامبر خاتم ﷺ موظف به استقامت در انجام مأموریت خود است: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» (هود(۱۱): ۱۱۲) و «وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری(۴۲): ۱۵).

رهبری با بصیرت و حکیم انقلاب اسلامی با باور به این حقیقت، بنیان حرکت خود را بر مقاومت گذاشت. مقام معظم رهبری معتقدند که امام خمینی ﷮ تفسیر میدانی این آیات بودند:

آن چیزی که امام را در هیأت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ... خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع [بود]. در برابر طاغوت‌ها امام مقاومت خودش را به رخ همه دنیا کشید... امام بدون ذره‌ای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛... قبل از پیروزی انقلاب... بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم... مقاومت کرد (خامنه‌ای، ۳/۱۴/۹۸).

از نظر رهبری:

امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی و مقاومت خود معنا کرد... قرآن می‌فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (شوری(۴۲): ۱۵). تهدید و تطمیع و فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه این‌که تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متوسل نشدند؛ چرا، [اما] در امام مطلقاً اثر نمی‌گذاشت... (همان).

حد اعتقاد امام خمینی ﷮ به مقاومت تا آنجا بود که با بانگ رسا فرمود: «این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند... بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۸۳).

پس مقاومت راهبردی اساسی است که قرآن بر آن تأکید دارد، اما مسأله این است که آیا استقامت به معنای سخت‌بودن همیشگی و برخورد خشن در هر شرایط است و هیچ نوع نرمشی برای جبهه مقاومت روا نیست؟

رهبری مقاومت از نوع خاصی از نرمش سخن گفته: «نرمش قهرمانانه» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹) و آن را «مانور هنرمندانه» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴) توصیف کرده و به‌عنوان «یک مهارت دیپلماتیک» (خامنه‌ای، ۹۳/۵/۲۲)، برای به‌زانو درآوردن دشمن دانسته است. بر این اساس، این پژوهش در پی این است که نشان دهد نرمش چه نقشی در تحقق اهداف مقاومت و پیروزی آن دارد و چه الزاماتی باید رعایت شوند که چنین نرمشی عملیاتی شود. اقتضات این نرمش چیست؟ دشمن‌شناسی چه نقشی در انتخاب نوع نرمش دارد؟ امامت و رهبری چه جایگاهی در انتخاب این حرکت دارد؟

مسأله این پژوهش، تبیین این مفاهیم و نشان‌دادن مقصود از آن‌ها و بررسی رابطه مقاومت و نرمش است که در مباحث نویسندگان؛ به خصوص با نگاه قرآنی به حد کافی و منسجم به آن پرداخته نشده است.

پیشینه پژوهش

در مورد نرمش قهرمانانه و ابعاد آن، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. مقاله قابل توجه «نرمش قهرمانانه در روابط دیپلماسی از منظر فقه سیاسی شیعه»، از رضا سلیمانی، عارف بشیری و سجاد علی‌محمدی است که در شماره ۶۱ مجله مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، زمستان ۱۳۹۲ نوشته‌اند.

پیام امام خامنه‌ای به کنگره علمی بین‌المللی امام علی‌بن‌موسی‌الرضا ۷ در ۱۳۶۳/۵/۱۸ نیز نکات ارزشمندی در مورد کارکرد نرمش قهرمانانه در تأمین هدف دارد؛ چنان‌که کتاب «صلح امام حسن ۷» که ترجمه و تألیف ایشان است، منبع ارزشمندی در مورد نرمش قهرمانانه است. هم‌چنین در بخشی از کتاب «سیاست و حکومت در سیره امام رضا ۷» که سال ۱۳۹۲ بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا ۷ منتشر کرده، روش امام رضا ۷ در مواجهه با مأمون تبیین شده که برای مبحث نرمش و مقاومت مفید است.

نگارنده مقاله حاضر هم، در شماره ۱۳ معرفت سیاسی، مقاله‌ای برای تبیین معنای این موضوع نوشته است، ولی از آن‌جا که هدف اساسی از این نوع نرمش، در کلام امام خامنه‌ای، رسیدن به اهداف نظام اسلامی و پیروزی جبهه مقاومت بیان شده بود، تصمیم بر آن شد که جایگاه این نرمش در مقاومت تبیین شود.

معناشناخت مقاومت و نرمش قهرمانانه

الف) معنای مقاومت؛ مقاومت در لغت به معنای روی پای خود ایستادن، قوام‌داشتن و پایداری است. مقاومت از ماده «قَوَمَ»، اصطلاحی از ریشه قوام یا قیام است که در قرآن با این ساخت نیامده، ولی استقامت که در قرآن آمده معنای مقصود از این واژه را به‌خوبی می‌رساند. در آیه ۱۱۲ سوره هود، خطاب به پیامبر می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ». استقامت، پایداری و مداومت در مسیر معین و یگانه است؛ به‌گونه‌ای که سالک هرگز به چپ و راست از مسیر حرکت منحرف نشود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۳) و در مقام بندگی «انجام‌دادن تکالیف و ترک منهیات، مطابق دستور و پایداری در این طریق است» (همان، ص ۳۰۴).

بر همین اساس، مقام معظم رهبری مقاومت را انتخاب راه حق و درست و حرکت در این راه دانسته؛ به‌گونه‌ای که اگر موانعی در راه پیش آمد، آن موانع نتوانند او را از حرکت در این راه منصرف و متوقف کنند و او تلاش کند با یافتن شیوه عاقلانه از مانع عبور کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

رهبری با توجه به آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح (۴۸): ۲۹)، لازمه مقاومت را سخت‌بودن دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۵/۳۱).

ب) تفاوت مقاومت و تندی بی منطق؛ بعضی برای این‌که قوی جلوه کنند، سعی می‌کنند حریف را تحقیر یا با ناسزاگفتن او را تخریب کنند، ولی این روش غلط است. خدای تبارک و تعالی به مسلمانان امر می‌کند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» (انعام (۶): ۱۰۸)؛ و معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد.

خدای متعال پیامبر را به رعایت ادب با مخالفان موظف می‌کند: «إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبأ(۳۴): ۲۴) و در زشت‌خواندن اعمال خصم، با احتیاط سخن بگوید: «قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (سبأ(۳۴): ۲۵). در یک قاعده کلی، خدای متعال به متخلق‌ترین بنده‌اش می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل(۱۶): ۱۲۵)؛ [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز.

بر همین مبناست که رهبر حکیم انقلاب اسلامی معتقدند:

آرمان‌گرایی را با پرخاش‌گری اشتباه نکنیم، تصور نکنیم که هر کس آرمان‌گراتر است، پرخاش‌گرت‌تر و دعوکن‌تر است؛ نه. می‌توان به شدت پابند به آرمان‌ها و پابند به اصول و ارزش‌ها بود؛ در عین حال پرخاش‌گر هم نبود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

ایشان به آیه «اشدء علی الکفار» (فتح(۴۸): ۲۹) اشاره کرده و فرموده‌اند:

هر جسمی که سخت‌تر باشد، وقتی با جسم دیگری اصطکاک پیدا کرد، در آن جسم دیگر اثر می‌گذارد، اما از آن جسم اثر نمی‌پذیرد. همه‌مان این‌جوری باشیم...، اما شدیدبودن، اثرگذاربودن، لزوماً به معنای دعوآگربودن و پرخاش‌گربودن نیست (همان).

این اصل متعالی اخلاقی، باید در یک نرمش قهرمانانه مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، ایشان می‌فرمایند:

گاهی نامه‌هایی برای ارسال به این طرف و آن طرف می‌آورند و می‌خواهند که من نظر بدهم. من حرف‌های تندش را خط می‌زنم. آقای دکتر ولایتی می‌دانند. بعضی از تعبیراتی که الآن مسؤولان سر زبان‌شان است و در سخنرانی‌های خود، این‌جا و آن‌جا می‌گویند، من نه در زمان ریاست جمهوری به زبان می‌آوردم و نه حالا به زبان می‌آورم...، نه من خودم اهل فحش دادن هستم و نه این را به دیگران توصیه می‌کنم (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۷/۱۵).

از نظر ایشان، آنچه مهم است، این است که: «شما تیزتر از شمشیر و نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید. واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمش‌های قهرمانانه است. نرم باشید؛ متتها نرمشی که تیز است» (همان).

بر این مناسبت که لازم است در کنار صلابت، اقتدار، دوری از هیجان، پرهیز از ایجاد التهاب و رعایت مقتضیات زمان در چارچوب هدف، اخلاق و ادب اسلامی نیز مراعات شود. هم‌چنین باید بدانیم تیزی و تندی: «معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم به کلی پامال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۵/۳۱).

ج مقصود از نرمش قهرمانانه؛ نرمش که لغتی فارسی است، به معنای مدارا و سازش است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱۶). این فعل انسانی با ملایمت و انعطاف همراه است و رفتاری دور از تندى و خشونت است که طرف مقابل احساس سازش و کوتاه‌آمدن می‌کند. قهرمان به معنای پهلوان، دلاور، پهلوان مظفر و غیر مغلوب است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۷۸۲۴). از آن‌جا که نرمش، کوتاه‌آمدن است که بوی شکست می‌دهد، قید قهرمانانه نوع نرمش و هدف از آن را مشخص می‌کند؛ یعنی گرچه ظاهر نرمش بوی شکست می‌دهد، ولی انسان هوشمند، گاهی نرمشی طراحی می‌کند که رقیب را گول بزند و در فرصت مناسب او را شکست بدهد.

اصطلاح نرمش و انواع آن؛ گرچه از قدیم مطرح بوده، ولی امام خامنه‌ای آن را در عالم دیپلماسی مطرح کرده و خود آن را معنا کرده‌اند. از این‌رو، این مقاله که حول اندیشه ایشان می‌چرخد، برای فهم معنای این اصطلاح، لازم است معنا را طبق مقصود ایشان تبیین کند. پیش از ارائه معنا، باید به تذکری از ایشان توجه شود که «تعبیر «نرمش قهرمانانه»... به معنای دست‌برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی» نیست. ایشان یادآور شده که گرچه «بعضی از دشمنان، همین را مستمسکی قرار دادند برای این‌که نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند، [ولی]... این‌ها بدفهمی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). ایشان مقصود خود را با مثال گشتی توضیح داده‌اند:

در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است، اگر کسی قدرت داشته باشد، اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد، قطعاً شکست می خورد، اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد، پشت حریف را به خاک می نشاند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۵/۲۲).

لذا گرچه فعال در خط مقدم نبرد سیاسی هم گاهی فرار دارد، ولی تیزی او پنهان است و از صولت دشمن نمی ترسد، بلکه به فرمایش رهبری: «تیزتر از شمشیر و نرم تر از حریر و سخت تر از سنگ و پولاد باشید». ایشان در یک کلمه «نرمش تیز» را مقصود می دانند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۵/۱۷).

د) نرمش قهرمانانه پاسخ مکر و نیرنگ دشمن؛ دشمنان خدا و رسول، همواره در پی ضربه زدن به دین خدا و راه پایداری بر دین بوده اند. اجرای این برنامه، گاهی با نیروی ظاهری و گاهی با کید (آل عمران(۳): ۱۲۰؛ نساء(۴): ۷۶؛ اعراف(۷): ۱۸۳ و...)، خدعه (نساء(۴): ۱۴۳ و...) و مکر و نیرنگ (آل عمران(۳): ۵۴؛ اعراف(۷): ۹۹ و...) بوده است. برای نمونه، خدای متعال می فرماید:

ای پیامبر! کافران [مکه] برای شکست دعوت تو مکر می کردند؛ برخی می خواستند تو را حبس کنند، برخی بر این نظر بودند که تو را بکشند و برخی بر آن بودند که [از مکه] بیرون کنند. آنان همواره در پی مکر و یافتن چاره پنهانی بودند و خدا نیز در برابر آن ها کار تو را با مکر کرد و خدا بهترین چاره کنندگان برای شکست مکر آنان است (انفال(۸): ۳۰).

پس خدای متعال در برابر حيله، فریب کاری و نیرنگ دشمن به پیامبرش راه چاره مقابله را تعلیم می دهد؛ نوعی از نیرنگ که دشمن نشناسد و نفهمد از کجا ضربه خورده است: «وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل(۲۷): ۵۰)؛ و آنان سخت نیرنگ زدند و ما هم به سزای نیرنگشان با آنان مکر کردیم؛ درحالی که از مکر ما بی خبر بودند.

بر همین اساس، خدای متعال عقب نشینی تاکتیکی از میدان نبرد و فرار فریب دهنده را مجاز کرده است (انفال(۸): ۱۶). پس «هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین

شده باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹)، ولی حرکت ممکن است از نوع نرمش و نیرنگ باشد. اگر چنین باشد، نیرنگ و فریب و به بیان دیگر، نرمش، قهرمانانه خواهد بود. از این رو است که در جنگ، مکر و حيله جايز است و هميشه نبايد تمام قدرت را به کار گرفت؛ چنان‌که از رسول خدا ﷺ نقل شده: «الحرب خدعة» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۶۳)؛ جنگ نیرنگ است.

نرمش قهرمانانه نیاز اساسی مقاومت

در طبیعت، اگر آبی در مسیر حرکت خود به سنگی برخورد کند، تسلیم نمی‌شود، بلکه ذره ذره سنگ را فرسایش می‌دهد و راه خود را هموار می‌سازد. آب با همه نرمی چنین کاری را انجام می‌دهد. دیپلماسی فعال نیز باید در عین داشتن راهبرد مقاومت و هدف قراردادن شکست دشمن، باید راه هوشمندانه‌ای برای رسیدن به مقصود پیدا کند. رهبر معظم انقلاب با مثالی توضیح داده‌اند:

فرض کنید یک وقت در یک جاده‌ای انسان به یک مسیله برخورد می‌کند، به یک حفره‌ای برخورد می‌کند، یا در حرکت در کوهستان که می‌خواهد مثلاً به قلّه کوه برسد، به یک صخره‌ای برخورد می‌کند؛ بعضی‌ها وقتی که برخورد می‌کنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمی‌گردند، از ادامه راه منصرف می‌شوند؛ بعضی نه، نگاه می‌کنند ببینند راه دورزدن این صخره چیست، راه مقابله با این مانع کدام است، آن راه را پیدا می‌کنند یا مانع را برمی‌دارند یا با یک شیوه عاقلانه از مانع عبور می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

آن راه عاقلانه ممکن است نرمش باشد. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب راهنمایی کرده‌اند:

ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

پس در مواجهه با دشمن، لزوماً نباید به درگیری سخت فکر کرد. در میدان جنگ، هر رزمنده می‌داند که ایستادن در برابر گلوله مستقیم به معنای مرگ است. اگر همه نیروهای یک جبهه، مقاومت را ایستادن بدون تاکتیک در مقابل گلوله بدانند، به یقین خیلی زود شکست خواهند خورد. در عالم سیاست هم، چنین است. پس اگر روش عرف جهانی این است که باید حتی با دشمن خود مذاکره کرد، باید از این روش استفاده کرد، ولی باید در مذاکره زیرک و قوی باشیم. بر همین اساس است که رهبری معظم تأکید کرده‌اند: «عالم دیپلماسی، عالم لبخندزدن است؛ لبخند هم می‌زنند، مذاکره هم می‌کنند، درخواست مذاکره هم می‌کنند، خودشان هم می‌گویند... آدم با دشمن مذاکره می‌کند!» (همان).

پس عقلانیت، گاهی نرمش را برای فعالیت‌های سیاسی جبهه مقاومت تجویز می‌کند و ثمرات خوبی دارد که در بخش نمونه‌ها نشان داده شده است.

خطر دیپلماسی انفعالی به جای نرمش قهرمانانه، برای جبهه مقاومت

مرور تاریخ اسلام و مطالعه در قرآن کریم، این اندیشه را تأیید می‌کند. مشرکان تلاش و کوشش بسیار می‌کردند تا با رسول خدا ﷺ وارد مذاکره شوند و با وعده و وعید، او را وادار به انعطاف و نرمش کنند. خدای متعال می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ قَيْدَهُنَّ» (قلم (۶۸): ۹)؛ آن‌ها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن‌ها هم نرمش نشان دهند؛ نرمش و انعطاف در صرف نظر کردن از قسمتی از فرمان‌های خدا به خاطر آنان. در برابر دشمنی که این نوع خاص از نرمش سازش‌کارانه را می‌خواهد، چه باید کرد؟ خدا اول وظیفه را مشخص کرده، بعد روش دشمن را مطرح کرده است. در آیه قبل آمده است: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ» (قلم (۶۸): ۹)؛ از این تکذیب‌کنندگان اطاعت و پیروی مکن؛ یعنی دشمنان تو دروغ‌گویانند و حق را که می‌شناسند، دروغ معرفی می‌کنند. به آن‌ها هرگز اعتماد نکن و هیچ انعطافی نشان نده.

بعضی نقل کرده‌اند «ولید بن مغیره» که از سران بزرگ شرک بود، اموال عظیمی به پیامبر ﷺ عرضه داشت و سوگند یاد کرد که اگر از آیینش بازگردد، به او خواهد داد! (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۶۷۱۰).

از لحن آیات و آنچه در تاریخ آمده استفاده می‌شود که وقتی مشرکان کوردل سرعت پیشرفت اسلام را دیدند، به فکر افتادند که از طریق دادن امتیازاتی به پیامبر ۹، او را به نوعی به سازش بکشانند؛ همان‌گونه که روش همه طرفداران باطل در طول تاریخ این‌گونه است. لذا گاه اموال عظیم و گاه زنان زیبا و گاه پست و مقام برجسته پیشنهاد می‌کردند. آنان دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک در باره دین دیگری مسامحه روا بدارید.

با این‌که در آیه هشتم به اجمال دشمن معرفی شد، ولی آیات بعد سیمای آنان را مفصل ترسیم کرده که با ویژگی‌های دشمنان امروز جمهوری اسلامی مطابقت دارد. از آیه ۱۰ تا ۱۵ سوره قلم، انسان‌های پیچیده‌ای معرفی شده‌اند که برای رسیدن به مقاصد دنیایی خود از هیچ رفتاری روی گردان نیستند. کسانی که از مقدسات مایه می‌گذارند و با سوگند و شعارهای زیبا، خود را حق جلوه می‌دهند، آنان که با بدگویی، سعایت و دو به‌هم‌زنی برای ایجاد مفسده بین اعضای جامعه انسانی تلاش می‌کنند، جلوی رسیدن خیر به مردم را می‌گیرند و ملت‌ها را از داده‌های الهی محروم می‌کنند، کسانی که ظلم و بیداد را از حد گذرانده‌اند و از هیچ تجاوزی به حریم و حقوق دیگران ابا ندارند، کسانی که گناه و رواج فساد، شاخصه آنان است، درشت‌خویان و خشن‌هایی که در راه باطل به هر خشونت و خصومتی دست می‌پازند؛ مردمانی که اصل و نسب درستی ندارند و در پستی و شرارت مشهورند. این‌ها کسانی هستند که سوگند یاد می‌کنند دنبال حقیقتند و خیر خصم خود را می‌خواهند، اینان پیامبر ۹ را به کنار آمدن با خود و مدافعه دعوت می‌کردند.

با این بیانات، خدای متعال شدت زشتی انعطاف در برابر چنین دشمنانی را نشان داد. قرآن بارها به پیامبر ۹ هشدار داده که هرگز کم‌ترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و هرگز با اهل باطل مدافعه نکند و حتی از یک کلمه وحی هم کوتاه نیاید: «... وَ اخذَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (مائده: ۵: ۴۹)؛ ... و بر حذر باش که تو را، حتی از بعضی آنچه خدا بر تو نازل کرده منحرف نسازند.

خدای متعال حضرت ابراهیم و پیروان مؤمن او را الگوی عدم انعطاف در اصول و مبانی معرفی کرده و از همه خواسته، حتی در تعامل با قوم خود هم از اصول اغماض نکنند:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» (ممتحنه (۶۰): ۴)؛ مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه تا زمانی که به خدای یگانه ایمان بیاورید، ادامه دارد.

درست است که ابراهیم 7 برای جلب نظر مشرکان و دشمنان، حتی با نمرود هم مناظره و مذاکره کرده، ولی هرگز بر سر اساس، انفعالی از خود نشان نداده و نفرموده حال که نمی‌خواهید عقیده خود را تغییر دهید، به طور مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنیم و دشمنی را کنار بگذاریم.

بعضی از تحلیل‌گران استراتژیست، همین نکته را در عصر ما مورد توجه قرار داده و به تلاش دشمنان نظام اسلامی برای ایجاد موضع انفعالی و کشاندن مذاکرات از سطح «ایدئولوژی» به سطح «استراتژی» و مادی کردن علل تقابل، اشاره کرده و یادآور شده که سال‌ها پیش آمریکایی‌ها چشم‌انداز خود را فروپاشی شوروی، چین و ایران در نظر گرفتند و سی سال تلاش کردند تا شوروی را به پای میز مذاکره کشانند و آن‌ها را به «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» ترغیب و در نهایت راضی کردند و وارد عرصه زندگی روس‌ها شدند. شوروی از حوزه ایدئولوژیک، به استراتژیک رفت و تقابل ایدئولوژیک تبدیل به تقابل تعداد موشک و کلاهک هسته‌ای شد و در نهایت لیبرالیسم و سرمایه‌داری کوتاه نیامد و مارکسیست نابود شد. سوسیالیست‌ها زانو زدند؛ چون دست از حوزه ایدئولوژیک خود برداشته بودند.

به نظر این تحلیل‌گر، چنین برنامه‌ای در مورد چین و کوبا در حال اجراست. در مورد ایران هم همین روش را دنبال می‌کنند. لیبرالیسم از موضع اعتقادی خود پایین

نمی‌آید او ایستاده و می‌خواهد ما را از سطح ایدئولوژی به سطح استراتژیک آورده و در این سطح به زمین بزند (عباسی، ۱۳۹۳/۵/۸ و ۱۳۹۴/۵/۱۶).

برای پیش‌گیری از وقوع چنین فاجعه‌ای، رهبری معظم در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین 7 در مورد مذاکره با دشمن تأکید کرده که هرچه دولت و ملت مقابل دشمن عقب‌نشینی کنند، او جلو می‌آید؛ زیرا آن‌ها زیاده‌طلبند و به چیزی کم‌تر از سلطه بر ملت‌ها قانع نمی‌شوند. ایشان بر اساس این شناخت فرموده‌اند: «باید دیواره مستحکمی از عزم و توکل و اقتدار ملی در مقابل آن‌ها به وجود آورد ... و تنها راه مقابله با دشمن وقیح، عزم راسخ و عدم انفعال است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۳۰).

با چنین بینش و عمل‌کرد، بر اساس آن، نرمش به جای انفعالی و ذلیلانه‌بودن، قهرمانانه و مقدمه‌پیروزی خواهد بود.

بر اساس چنین بصیرتی امام خامنه‌ای می‌فرمایند:

در این سال‌ها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده؛ البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

ایشان در کنار نرمش، معتقدند در تعاملات سیاسی باید از سستی و ضعف نشان‌دادن به شدت اجتناب کرد و انفعال در برابر دشمن را هرگز نمی‌پسندند. این یک اصل مهم در نرمشی است که قید «قهرمانانه» دارد. بر این اساس است که رهنمود داده‌اند: «یکی از خصوصیات این روحیه (انقلابی)، پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی است. هیچ موضع دفاعی‌ای، موضع خوبی نیست؛ موضع بسیار بدی است. موضع، باید موضع قوی و متعرضانه باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۵/۱۷).

پس موضع انفعالی و سازش‌کارانه برای جبهه مقاومت مضر است؛ زیرا: شیطان اگر راه نفوذ ببیند، به هیچ حدی قانع نیست. او تا تمام ارزش‌های ملت‌ها را نگیرد، راضی نمی‌شود. آمریکا هم چنین است:

یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم...، اما پاسخ این سؤال را نمی‌دانند که این کنار آمدن، کوتاه آمدن و عقب نشینی کردن سنگر به سنگر، تا کجا باید از ارزش‌های خود صرف نظر نماییم تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری نداریم؟ (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲).

نیاز قهرمانانه بودن نرمش به برنامه جامع و شناخت اهداف

نرمش، برنامه و تاکتیکی برای دستیابی به هدف است، ولی آنچه مهم است، داشتن برنامه برای اجرای آن است. امام خامنه‌ای در تبیین تاکتیک نرمش فرموده‌اند:

برای هر نظامی اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال می‌کند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی... مرحله‌گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین می‌کنند، هدف‌گذاری می‌کنند، حرکت جمعی آغاز می‌شود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی [است]. این را همه فعالان عرصه سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ آحاد مردم، شما عزیزان بسیجی - فعالان عرصه بسیج - هم باید این را همواره به یاد داشته باشید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

پس گرچه نرمش، یک تاکتیک در راهبرد مقاومت برای رسیدن به هدف است، ولی موفقیت در یک مجموعه برنامه حاصل می‌شود و هر مرحله، نرمش خاص خودش را می‌طلبد تا قهرمانانه باشد.

رهبری با توجه به قرآن، مقصود خود را توضیح داده‌اند:

نرمش قهرمانانه... مانور هنرمندانه برای دست‌یافتن به مقصود است... سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند... باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود (همان).

ایشان با توجه به آیه ۱۶ سوره انفال: «وَمَنْ يُؤَلِّمِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مَتَحَرِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ»، معتقدند: «هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

با توجه به این آیه و آیات دیگر، مقصود را توضیح می‌دهیم:

۱. آیه سوره انفال تصریح کرده فرار از جنگ مجازات در پی دارد، ولی دو صورت را استثنا کرده است؛ زیرا گرچه در ظاهر فرارند، اما در واقع تاکتیکی مفید و مؤثر در پیروزی هستند. صورتی که از آن تعبیر به «مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ» شده است. صورتی که جنگ‌جویان به عنوان یک تاکتیک جنگی از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشانند و ناگهان ضربه غافل‌گیرانه را وارد کنند و یا به صورت جنگ‌و‌گریز دشمن را خسته کنند و به قول عرب‌ها «الحرب کُروفر»؛ جنگ حمله و گریز است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۱۴-۸۱۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۱۲).

۲. صورتی که جنگ‌جویی خود را در میدان تنها ببیند و برای پیوستن به گروه جنگ‌جویان فرار کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۱۳). یعنی برای جابه‌جایی تاکتیکی و یا طراحی حمله دسته‌جمعی و یا اطلاع‌رسانی به مسلمانان و یا حفظ سنگر مهم‌تر و موقعیت بهتر، از مقابل دشمن بگریزد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۸۹-۱۴۸۸).

۳. نوع دیگری از نرمش برای حفظ جان، در شرایط بی‌تأثیری کشته‌شدن در پیروزی یا تضعیف دشمن است. اگر گروهی مسلمان در سرزمین دشمن گرفتار شوند و کشته‌شدن آن‌ها هیچ فایده‌ای برای دین نداشته باشد، خدای متعال اذن داده که حتی اظهار کفر کنند: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...» (نحل: ۱۶): (۱۰۶)؛ کسانی که بعد از ایمان کافر شوند - جز آن‌ها که تحت فشار واقع شده‌اند؛ در حالی که قلب‌شان آرام و محکم در ایمان است... .

در آیه ۲۸ آل عمران نیز روابط دوستانه و پیوند با دشمن ممنوع شده، ولی خدای متعال یک صورت را استثنا کرده است: «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»؛ یعنی اگر اظهار نفرت و

قطع رابطه با کافران جز نابودی زندگی مسلمان را در پی ندارد و از سویی این نیرو می‌تواند در شرایط دیگری برای اسلام مفید و در جهت شکست کفر مؤثر باشد، لازم نیست همه منویات قلبی خود را اظهار کند، بلکه می‌تواند نرمش نشان دهد. بر همین اساس، تقیه در مکتب تشیع واجب شده (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۵) و در طول تاریخ، سرمایه‌های مادی و معنوی و انسانی بسیاری را حفظ کرده است تا در مسیر پیش‌برد اهداف مکتب و پیروزی اسلام ناب استفاده شوند. همین نرمش، افرادی؛ مانند عمار، بلال، صهیب و خباب سبب شد که نیروهای مهمی برای دفاع از اسلام حفظ شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۹۸).

۴. گاهی جبهه مقاومت از شرایط مادی و معنوی دشمن اطلاعات به‌روز ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند برخورد سنجیده‌ای داشته باشد. مکه برای پیامبر ﷺ مهم بود، ولی پیش از اقدام، برآورد و سنجش وضعیت شرایط روحی و توان عملیاتی آن‌ها لازم بود. پیامبر ﷺ با حرکتی خاص و نرمشی حساب‌شده، بر شرایط آنان مسلط شد. نرمشی که قرآن آن را «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (فتح (۴۸): ۱) خوانده است. لذا پس از صلح حدیبیه که توضیحش خواهد آمد، در پاسخ به کسی که عنوان «اعظم الفتح» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۸) را برای این حرکت درست نمی‌دانست، به رضایت مشرکان به دورکردن مسلمانان از سرزمین خود بدون جنگ و خون‌ریزی و خواستن چیزی در ازای پذیرش خواسته آنان (همان) اشاره کردند که نشان از ضعف و شکسته‌شدن صولت آنان بود، کردند. پس گرچه از نظر بعضی از مسلمانان حرکت پیامبر ﷺ ضعف نشان‌دادن و کوتاه‌آمدن در برابر دشمن بود، ولی حضرت در این حرکت، پیروزی را می‌دید و معتقد به قهرمانانه‌بودن نرمش خود بود. پس هر شرایطی نوع خاصی از نرمش را می‌طلبد تا قهرمانی بیاورد.

لزوم تناسب نوع نرمش و شرایط دشمن

شناخت دقیق شرایط دشمن، توانمندی‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌های او برای انتخاب نوع نرمش مناسب، بسیار مهم است. مسأله مهمی در اجتهاد مطرح شده که به یقین در همه

برنامه‌ریزی‌ها، طراحی‌ها و حرکت‌های فکری و عملی باید ملاحظه شود و آن شناخت، اقتضای زمان و مکان است. امام خمینی 1 در مورد شناخت زمان و مکان فرموده‌اند:

زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله، در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اوّل که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد، مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

بر اساس این تفکر مبنایی، برای این‌که مقاومت بتواند به اهدافش برسد، باید شرایط زمان و مکان را هوشمندانه بررسی کند تا اگر در مقام عمل و تاکتیک، نرمشی لازم است، با شرایط تناسب داشته باشد.

امام خامنه‌ای می‌فرماید که مخالف حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستند، انجام حرکت صحیح را منوط به شناخت دشمن و شرایط او می‌دانند. ایشان کشتی‌گیری را مثال زده‌اند که مشغول مبارزه است و جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می‌دهد، او نباید فراموش کند که طرفش کیست! در عالم سیاست هم باید بفهمند که دارند چه کار می‌کنند و با چه کسی مواجه‌اند، با چه کسی طرفند؟ به نظر ایشان، فعال سیاسی باید بداند که کجای مسأله آماج حمله طرف آن‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

نمونه‌ای از طراحی تاکتیک مناسب را در زندگی امام علی 7 ببینید. او به مبارزه با «عمرو بن عبدود» رفت، وقتی او از جنگ با جوانی مثل او ابراز ناراحتی می‌کرد، علی 7 به او فرمود: ولی من دوست دارم تو را بکشم، عمرو خشمگین شد و به حضرت حمله کرد، علی 7 بلافاصله فرمود: من نیادم با دو نفر مبارزه کنم، عمرو به پشت سرش نگاه کرد که ببیند نفر دوم کیست که به پشتیبانی او آمده است، در همین لحظه علی 7 پرید و او را با شمشیر زد، عمرو گفت، حيله کردی، حضرت فرمود:

«الحرب خدعة» (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۷).

امام 7 با یک تاکتیک قوی‌ترین مرد عرب را به زانو درآورد. نرمش در اندیشه امام خامنه‌ای چنین تاکتیک و نقشه پیروزی‌بخشی است.

پس شناخت اهداف دشمن، اوضاع توانمندی‌های او برای نوع نرمش لازم بسیار مهم است. خدای متعال که به تأمین تدارکات برای ترساندن دشمن دستور می‌دهد «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال(۸): ۶۰)، در ادامه یادآور می‌شود که شما باید دشمنان مخفی را نیز مد نظر داشته باشید؛ زیرا «وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (انفال(۸): ۶۰)؛ و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید.

پس در چرخش‌ها و نرمش‌ها، نه تنها دشمن آشکار که دشمنان پنهان را نیز باید مد نظر قرار داد و در طراحی نرمش‌ها چنان هوشمند شد که برای احتمالات نیز برنامه داشت. دشمنانی هم‌چون منافقان که:

«وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يُقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ... هُمْ الْعَدُوُّ فَآخِذْهُمْ...» (منافقون(۶۳): ۴)؛ چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی... آنان دشمن‌اند، از آنان دوری کن... .

شناخت منافق بسیار سخت است و ممکن است جبهه مقاومت آمادگی لازم برای لحظاتی که او قصد ضربه‌زدن را دارد، نداشته باشد. برنامه‌داشتن و طراحی نرمش‌های خاص می‌تواند چهره‌های نفاق را افشا کند.

بر اساس آنچه بیان شد، مهم این است که علت دشمنی را بفهمیم تا در مذاکره و نرمش از معیارها تخطی نکنیم. امام امت اسلامی در عصر حاضر می‌فرمایند:

علت دشمنی، اشخاص نیستند، علت دشمنی، این حقیقت و این هویت [استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی] است. همه آنچه که می‌گویند، در این چهارچوب باید تفسیر و تحلیل بشود، در این چهارچوب باید فهمیده بشود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

هم چنین می فرماید: «البته هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

با رعایت این مهم، نرمش قهرمانانه، نه تخاصم جاهلانه است و نه سازش منفعلانه، بلکه تاکتیکی معقول، سازمان‌یافته و سنجیده است که به قهرمان‌شدن منجر خواهد شد.

لزوم واگذاری انتخاب تیزی و نرمش در مواجهه با خصم به امام

نکته بسیار مهم که جای بحث دقیق دارد و این‌جا اشاره می‌کنیم، واگذاری انتخاب تیزی یا نرمش به امام و پیشوای زمان است. اوست که اقتضائات را درک می‌کند و می‌تواند، حکیمانه، عزت و مصلحت امت را تأمین کند و پیروزی واقعی را به دست آورد؛ گرچه از نظر ظاهر بینان شکست باشد.

گاهی امام جبهه مقاومت تشخیص می‌دهد که نرمش فایده ندارد و انجام نرمش قهرمانانه ممکن نیست؛ چنان‌که تشخیص امام علی 7 در صفین، جنگ و تیزی بود، ولی نیروهای مقدس‌نما بر مذاکره و نرمش اصرار کردند و جبهه حق را به شکست کشاندند. امام حسین 7 نیز که ۲۰ سال در برابر معاویه تحمل کردند، با بررسی شرایط تشخیص دادند که با یزید نرمش صلاح نیست و جبهه مقاومت از صبر و نرمش نتیجه‌ای نمی‌گیرد، پس جنگید؛ گرچه به ظاهر شکست خورد. در عصر حاضر نیز امام خمینی 1 در مورد کسانی که تلاش می‌کردند ایران را وادار به صلح با صدام کنند، فرمودند: «هستند اشخاصی که می‌گویند که بیایید صلح بکنیم، بیایید یک سازشی بکنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۱۸).

امام خمینی 1 سازش را نمی‌پذیرند؛ زیرا معتقد بودند: «ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم؛ به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند، آن‌هایی که جبهه‌شان داغ داشت و اضر (پرضرترین) مردم‌اند بر مسلمین... ما از آن قضیه باید عبرت بگیریم...» (همان، ص ۱۱۹).

پس فهم و تشخیص نوع تقابل با دشمن، نیازمند تشخیص امام و رهبری الهی مقاومت است.

آثار نرمش‌های امام‌محمود

بر اساس آنچه گفته شد، مواردی از نرمش‌های موفق که به تشخیص معصومان انجام شده ارائه می‌شود:

الف) فتح الفتوح پیامبر ﷺ با نرمش در برابر مشرکان مکه؛ خاتم رسولان که نماد عزت اسلامی و همه رفتارهایش بر اساس حکمت و مصلحت بود، با مشرکان مذاکره می‌کند و به ظاهر انعطاف و نرمش نشان می‌دهد و قرارداد صلحی را با آنان امضا می‌کند که بعضی از اصحاب خود را به خشم می‌آورد. قرآن در سوره فتح به این صلح اشاره کرده است. این سوره که با «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» آغاز می‌شود، در بخش قابل توجهی به برکات صلح حدیبیه اشاره دارد. اولاً یک صلح را خدای متعال «فتح مبین» می‌نامد؛ تعبیری که قرآن راجع به هیچ‌یک از جنگ‌های پیروزمند پیامبر ﷺ نکرده است. بعض مفسران به تبع قرآن، این مصالحه را «فتح حدیبیه» نام نهاده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۲).

ظاهر ماجرا چنان بود که بعضی از اصحاب رسول خدا ﷺ در بازگشت از حدیبیه بدون انجام عمره، در مقابل حضرت که از نزول سوره فتح خوشحال بود، ایستادند و گفتند: این چه فتح و پیروزی است؟ از زیارت خانه خدا منع شدیم و قربانی‌هایمان بازگشت! رسول خدا ﷺ فرمود: «این سخن بسیار زشت است، این پیروزی «اعظم الفتوح» بود» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۸).

بر اساس این نقل، رسول خدا ﷺ به نکات مهمی که پیامد این نرمش و تاکتیک بود، اشاره کردند:

مشرکان راضی شدند که شما را از سرزمین خود به خوبی و خوشی دور کنند (بدون جنگ و خونریزی)، از شما چیزی بخواهند (و با چیزی دادن، چیزی درخواست کنند)، تمایل پیدا کردند به شما امان بدهند و از شما رفتاری (غیر از جنگ و ستیز) دیدند که خوشایند آنها نبود (همان).

بعضی نیز گفته‌اند:

فتحی بزرگ‌تر از حدیبیه نبوده؛ زیرا سبب شد مشرکان با مسلمانان در

آمیختند و سخنانشان را شنیدند و اسلام در دل‌هایشان جا گرفت و در مدت سه سال، جمع بسیاری مسلمان شدند و شمار طرفداران اسلام زیاد شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۲).

این نرمش قهرمانانه برای پیامبر و مسلمانان برکات فراوان دیگری هم داشت: این صلح نشانه اعتراف قریش به اصالت و واقعیت حکومت پیامبر بوده و مسلمانان را از جنگ‌های مکرر قریش نجات داد؛ شوکت قریش را شکست، مجال بروز کینه‌های قریش نسبت به پیامبر گرفته شد. پس از صلح: ۱. پیامبر با خاطری آسوده به سراغ یهودیان رفته و قلعه‌های خیبر را فتح نمایند. ۲. پیامبر طی نامه‌هایی به سران قدرت‌های بزرگ وقت، آنان را با لحنی قاطع به اسلام دعوت نمایند. ۳. پیامبر سپاهی عظیم را به سرحدات روم فرستادند و بسیاری مسلمان شدند و ۴. مکه بدون خون‌ریزی فتح شد. پس نرمش انجام‌شده حکیمانه بود و مصلحت اسلام و مسلمین را تأمین کرد. ب) حفظ اساس اسلام با نرمش علی ۷ در برابر جریان سقیفه؛ امیرالمؤمنین ۷ پس از پیامبر ۹ با این‌که یقین داشتند امامت و حکومت حق ایشان است، سکوت کردند. مطالعه نشان می‌دهد که نرمش حضرت قهرمانانه بود؛ زیرا هدف پیروزی و گسترش اسلام بود. امام ۷ با بصیرت خود اوضاع را می‌دیدند. نوشته‌اند:

چون پیامبر ۹ وفات یافت و بلا و مصیبت بر مسلمین بزرگ شد، یهودیان سر برافراشته و مسیحیان خوشحالی کردند، اهل نفاق از دین برگشته و اعراب می‌خواستند مرتد شوند، اهل مکه می‌خواستند مجدداً بت پرستی کرده و دین پیامبر ۹ را منسوخ نمایند (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۴، ص ۱۰۷۹).

در چنین شرایطی حضرت در مورد علت سکوت خود فرمود:

دست نگه داشتم [و با خلیفه همراهی نکردم] تا این که دیدم گروهی از مردم از اسلام برگشتند (مرتد شدند) و مردم را به محو دین محمد ۹ دعوت می‌کنند، ترسیدم که اگر در این لحظات حساس، اسلام و مسلمین را یاری نکنم، خرابی و یا شکافی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن بر من از مصیبت از دست رفتن چند روزه خلافت بیش‌تر است (نهج البلاغه، نامه ۶۲).

همچنین نقل شده است:

روزی فاطمه 3 علی 7 را به قیام دعوت کرد. در همین حال، صدای مؤذن بلند شد «أشهد أن محمدا رسول الله»، علی 7 به زهرا 3 فرمود: آیا دوست داری این صدا خاموش شود؟ فرمود: نه. فرمود: من همین را می‌گویم (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۱م، ج ۱۱، ص ۱۱۳).

حضرت تصریح کرده است که «دیدم صبر بر همین حالت طاقت فرسا، عاقلانه‌تر است. پس صبر کردم؛ در حالی که خاری در چشم و استخوانی در گلویم بود» (نهج البلاغه، خطبه ۲).

ج) نجات جامعه اسلامی از جنگ داخلی و رسوایی بنی‌امیه با نرمش امام حسن 7 در برابر معاویه؛ مقام معظم رهبری برای «نرمش قهرمانانه» نمونه نشان داده و فرموده‌اند: «صلح امام حسن مجتبی 7 پرشکوه‌ترین نمونه تاریخی آن به شمار می‌رود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۵/۲۲).

به همین دلیل، باید بررسی شود که امام حسن 7 با آن نرمش چه کرد و چه هدفی را محقق کرد؟ رهبری معظم توضیح داده‌اند که:

امام حسن 7 برای برداشتن نقاب از چهره زشت امویان و زدودن لعاب رنگینی که معاویه بر روی خود کشیده بود، شرایطی فراهم کرد و کاری کرد که معاویه و دیگر قهرمانان باند اموی با همان واقعیت جاهلی و با همان دل‌های بیگانه از روح اسلام و سینه‌های پرکینه‌ای که لطف و محبت‌های اسلام سر مویی از کینه‌های بدر و حنین را از آن نزدوده بود، به مردم معرفی شوند (آل یاسین، ۱۳۷۱، ص ۹).

نکته قابل توجه در این بیان، توجه به بُعد تاکتیکی و هدف‌گذاری در نرمش است. امام 7 در عین این‌که از نظر نیرو و امکانات سخت در مضیقه بودند، ولی تاکتیک نرمش را بسیار دقیق اجرا کردند و توانستند شقاوت و فساد درونی بنی‌امیه را برملا کنند: «روش امام حسن 7 به حقیقت انقلابی کوبنده بود در پوشش مسالمتی

اجتناب ناپذیر و فراهم آمده شرایطی خاص؛ یعنی درهم آمیخته شدن حق و باطل و مسلح شدن باطل به حرب‌های خطرناک و قدرتی عظیم» (همان).

امام حسن یک اسوه است؛ زیرا حضرت از جانشینان پیامبر ۹ است که خدای متعال بر اسوه بودنش برای همه پیروانش تا پایان تاریخ تصریح و تأکید کرده است (احزاب (۳۳): ۲۱)، ولی نه اولین مجری تاکتیک نرمش بوده و نه آخرین است؛ چنان‌که رهبری می‌فرمایند: «امام حسن ۷ نخستین پدیدآورنده این «خط مشی» نبود؛ هم‌چنان که به‌کار بستن این روش به او ختم هم نشد. او این روش را از گذشتگان خود گرفت» (آل یاسین، ۱۳۷۱، ص ۹).

پس مهم این است که ما اصل «خط مشی» را بفهمیم و به اقتضای زمان و شرایط خود، مسالمت یا نرمش را اجرایی کنیم.

د. گسترش تفکر امامیه و اسلام ناب با نرمش امام رضا ۷ در برابر مأمون؛ نمونه دیگر نرمش امام رضا ۷ در برابر مأمون عباسی است که نتایج بسیار والایی داشت. از جمله:

الف) ایجاد فرصت برای امام ۷، خاندان و یارانش برای تبیین معالم دین، احیای سنت پیامبر و نشر و ترویج منش و روش اهل بیت : در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی.

ب) فراهم شدن فرصت برای علویان و انقلابیون شکست‌خورده در قیام‌ها در جهت بازسازی خود و بسیج نیرو و توانمندی‌ها.

ج) سخن‌گفتن آشکار از امامت، بر مبنای امامیه در سطح گسترده در جهان اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام امامت به گوش همه مسلمانان.

د) اعتراف گرفتن از دشمن برای حقانیت امام؛ چنان‌که مأمون فضایل اهل بیت را بر می‌شمرد و از مظلومیت اهل بیت : و از ستم‌های حاکمان پیشین بر آن خاندان سخن می‌گفت.

ه) به‌رخ کشیده شدن توان علمی و فکری امام مورد نظر تشیع در مناظره‌های آزادانه و ثمرات دیگری که باید با مطالعه عنوان کرد.

همه این‌ها با یک نرمش حاصل شده و سرسختی، نتیجه‌اش ازدست‌رفتن همه این برکات بود. این‌که امام 7 الگوی زندگی صحیح در همه عرصه‌هاست، در چنین رفتارهایی حقانیتش به روشنی آشکار می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۵/۱۸).

پس امام رضا 7 بر اساس بررسی اوضاع و شناخت دقیق از شرایط، حکمت و مصلحت را در نرمش با مأمون دیدند و سرانجام پیروزی بزرگی را برای جبهه مقاومت تشیع حاصل کردند.

نتیجه‌گیری

مقاومت در انجام مأموریت، بر اساس اندیشه الهی و وحیانی، اصلی اساسی و راهبردی است، ولی در اندیشه قرآن‌بنیان امام خامنه‌ای، این حقیقت مستلزم سرسختی دائمی نیست، بلکه رسیدن به هدف، مستلزم داشتن برنامه است که ممکن است در آن تاکتیک‌ها و روش‌های مختلفی لحاظ شود. از جمله این تاکتیک‌ها نرمش قهرمانانه است که فهم درست و رعایت اصول و ضوابط آن می‌تواند منافع ملی و عزت و سربلندی جبهه مقاومت را تضمین کند. امام خامنه‌ای، علاوه بر ترسیم راهبرد، ابعاد، زوایا، اصول و ضوابط لازم‌الاجرای تاکتیک را بیان کرده که در صورت عملیاتی‌شدن این دیپلماسی هنرمندانه، منافع مادی و معنوی نظام اسلامی در جهان تأمین خواهد شد. رهبری معظم، علاوه بر تبیین مفهومی، ملاک‌های تعامل با اجانب را بر اساس تعالیم وحیانی ترسیم کرده و رعایت ادب و نزاکت را در گفته‌ها و نوشته‌ها لازم دانسته و در عین حال، بر سخت‌بودن و دشمن‌شناسی دقیق تکیه کرده‌اند. ایشان که نرمش را لازمه پیش‌برد اهداف جبهه مقاومت و نظام سیاسی مدافع مقاومت می‌دانند، بر سخت و تیزبودن و پای‌بندی به مبانی اساسی تأکید خاص دارند. در صورت رعایت راه‌کارهای تبیین‌شده، نرمش مورد نظر ایشان قهرمانی را در پی خواهد داشت. لذا با توجه به تعالیم قرآن و تجربه‌های تاریخ اسلام در زندگی حجت‌های معصوم، مبرهن می‌شود که نرمش قهرمانانه ابزاری مهم برای تأمین اهداف جبهه مقاومت و پیروزی آن است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آل یاسین، راضی، صلح امام حسن پر شکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ترجمه سید علی خامنه‌ای، تهران: آسیا، ۱۳۷۱.
۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، ج ۱۱، تهران: افسست مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۹۶۱ م.
۵. ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ج ۱۰، بیروت: دارالکتب العربی للنشر والتوزیع، بی‌تا.
۶. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۴، قاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ق.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه سخنرانی‌ها، وب سایت: <http://farsi.khamenei.ir/speech>.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، پیام به کنگره علمی بین‌المللی امام علی بن موسی الرضا ۷/۱۸/۵/۱۳۶۳، Khamenei.ir
۹. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۷، ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: رسولی محلاتی، ج ۵، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۴ و ۵، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: سیدحسن موسوی خراسان، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۶. عباسی، حسن، سخنرانی در دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳/۵/۸، کد خبر: ۳۶۵۳۷۵ و سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۹۴/۵/۱۶، شناسه خبر: ۴۳۰۹۱۶، خبرگزاری دانشجو: snn.ir.
۱۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.